

ایل بختیاری

گذری بر جایگاه ایل در تاریخ ایران

ایل واژه‌ای مغولی، ترکی به معنای دوست، یار، همراه، هم قبیله و عشیره است عشیره مترادف با ایل و واژه‌ای عربی به معنای بنی اعمام و نزدیکان از جانب پدر است که جمع آن عشایر و عشیرات است. در فارسی به معنای خویشان، نزدیکان، تبار، اهل خانه، و طایفه است.

واژه ایلات (جمع ایل) برای نخستین بار در زبان فارسی در زمان ایلخانیان به کار رفته که منظور از آن طوایف صحرانشین و نیمه صحرانشین است همچنین ورود ترکان مغول به ایران مترادف با رایج شدن واژگان و مفاهیم متعدد از جمله خان یا قآن، ایل، اویماق، اولوس و نظایر آن بوده است. که به یک نمونه آن در بستان السیاحه اشاره می‌شود: «طایفه افشار به چندین اویماق منشعب می‌شوند و هر اویماق مشتمل است بر چندین اوجاق، جمیع طوایف افشار از اویماق ترکمان اند».

در متون لاتین برای ایل و طایفه و قبیله و عشیره دو اصطلاح به کار رفته که هر کدام معرف زندگی بدوی است. یکی Nomad و دیگری Tribe، اصطلاح نخست به آن دسته از عشایر اطلاق می‌شود که بر اساس نظام شبانی مبتنی بر حرکت متناوب یا فصلی که شیوه معیشت و تمدن آن‌ها بر اساس نوعی زندگی کوچ استوار است و اصطلاح دوم اصطلاحی است کلی که به گروهی اطلاق می‌شود که در سرزمین معین با نظام سیاسی اجتماعی مستقل مبتنی بر نظام خویشاوندی که دارای اجزائی نیز هستند.^۲

در آثار قدیمی به جماعت عشایر دیوان یا توران می‌گفتند. توران مترادف دیوانه وحشی و سرکش است. تورانیان مردمی چادر نشین و بیابان‌گرد و از حیث تمدن از ایرانیان شهرنشین و کشاورز عقب مانده‌ترند و همواره به ایرانیان دستبرد می‌زدند و به غارت و یغما می‌پرداختند از این‌رو ایرانیان اقوام چادرنشین را تور می‌نامیدند.^۳

در ایران جمعیتی را عشایری به حساب آورده‌اند که دارای وابستگی ایلی بوده به زندگی کوچ روی با معیشت غالب شبانی اشتغال دارند. این جمعیت را به سه گروه عمده تقسیم کرده‌اند. کوچ‌نشینان، نیمه کوچ‌نشینان و رمه‌گردانان. کوچ‌نشینان شامل افرادی هستند که

● حمید اشرفی خیرآبادی



■ پژوهشی درباره ایل بختیاری

■ مؤلف دکتر بهرام امیر احمدیان

■ انتشارات آگاه، ۱۳۸۷، تعداد صفحات: ۳۶۰

قلمرو زیست عشایر کوچ‌رو ایران عمدتاً در امتداد سلسله جبال زاگرس و در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، باختران، خوزستان، لرستان، ایلام، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، فارس و خراسان و سیستان و بلوچستان و سمنان و نقاط مرکزی ایران است

ایل بختیاری

عشایری استان‌های کشور ۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل سرشماری شده‌اند. تعداد جمعیت کوچنده کشور در سال ۱۳۶۶ برابر ۱۱۵۲۰۹۹ نفر بوده است. قلمرو زیست عشایر کوچ‌رو ایران عمدتاً در امتداد سلسله جبال زاگرس و در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، باختران، خوزستان، لرستان، ایلام، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، فارس و خراسان و سیستان و بلوچستان و سمنان و نقاط مرکزی ایران است. باتوجه به جمعیت و نقش آن‌ها در طول تاریخ لازم است مقدمه‌ای درباره خواستگاه، نوع معیشت و نقش و جایگاه ایلات در بستر تاریخ و با تکیه بر تاریخ ایران پرداخته شود.

از نظر تاریخی اگر به دوران آغازین بشر مراجعه کنیم انسان‌های اولیه بعد از سپری کردن دوران غارنشینی با اهلی کردن حیوانات دوره‌ای را آغاز کردند که به کوچ نشینی معروف بود. کوچ نشینان که اقتصادشان بر پایه دام استوار است دایم از شمال به جنوب یا از ارتفاعات به نواحی پست یا برعکس کوچ می‌کردند. همزمان با کوچ

در بیلاق سرپناه ثابتی ندارند وابستگی آنان به زمین زراعی بسیار اندک، کشت و کارشان دیم و قلمرو زیستی آنان در اراضی حاشیه‌ای یکجانشینان است. نیمه کوچ‌نشینان جمعیتی عشایری‌اند که عمدتاً قشلاق را در ساختمان و یا در آبادی‌های قشلاقی و بیلاق را در چادر به سر می‌برند این گروه نسبت به کوچ‌نشینان وابستگی بیشتری به زمین دارند. خصوصاً در قلمرو قشلاقی خود دارای آب و زمین زراعی بوده و در قشلاق در آبادی‌ها ساکن‌اند و مانند روستاییان زارع و باغدار هستند. رهمگردانان از مراتع طبیعی بیلاق استفاده می‌کنند و به پرورش دام با بردن رهم‌ها به مراتع بدون همراهی اعضای خانواده اشتغال دارند در این شیوه دام‌ها همراه چوپان یا بعضی از اعضای خانوار به مراتع برده می‌شوند پس از پایان دوره بهره‌برداری از مراتع دام‌ها به آبادی‌های قشلاقی مراجعه و دوره قشلاقی را در طویله و از طریق تعلیف و تغذیه دستی می‌گذرانند. بر اساس اطلاعات سرشماری در تیرماه ۱۳۶۶ در کل مناطق



شدند و به قول جلال آل احمد «اصلا طومار تاریخ ایران را همیشه ایل‌ها در نوردیدند نه آل‌ها هر بار که خانه‌ای ساختیم تا به کنگره‌اش برسیم قومی گرسنه و تا زنده از شمال شرقی در رسید و نردبان را از زیر پایمان کشید و همه چیز را از پای بست ویران کرد...»^۵

تفکر ایلی با روی کار آمدن غزنویان آغاز و در دوران سلاجقه تداوم یافت که جدال اهل قلم با اهل شمشیر از خصوصیات این دوران است و در دوران مغولان به اوج رسید و ایران و جهان اسلام را به ویرانه تبدیل کرد همزمان با هجوم مغولان ایلات ترک مانند قرگوزلوه‌ها، افشارها و قشقایی‌ها وارد ایران شدند،^۶ از دیگر ایل‌هایی که وارد ایران شد قاجارها بودند که در قرن نوزدهم حاکمیت ایران را به‌دست گرفتند تفکر ایلی و روحیه‌ی تهاجم و غارتگری که از ویژگی‌های زندگی ایلی بود باعث شد تا بسیاری از اقوام ساکن در ایران که از تیره‌های لک و تاجیک بودند طعمه شمشیر این اقوام شد و بازماندگان آن‌ها به ناچار به چادرنشینی روی آوردند و گروه چادرنشینان ایرانی نژاد را تشکیل دادند که شامل لرها و بختیاری‌ها هستند.^۷ تفکر ایلی تا دوران مشروطه یعنی حدود هزار سال ادامه یافت.^۸ با شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و گسترش مدرنیته امید می‌رفت که بساط نهادهای ماقبل مدرن برچیده شود. تا قبل از ظهور دولت مدرن، ایلات و طوایف در ایران از استقلال نسبی از دولت مرکزی برخوردار و دولت مرکزی نیز به خودمختاری آن‌ها صحنه گذاشته بود و خدمات نظامی و مالی از آن‌ها دریافت می‌کرد. با آغاز پیدایش دولت مدرن شدت عمل و اقدامات خشونت بار، استقلال نسبی و کلیه نهادها و تأسیسات ایلات را در هم شکست و نهادهای بورکراتیک جدید را جانشین آن‌ها ساخت. با از بین بردن ایل‌راه‌ها، ممنوعیت کوچ، ملی کردن مراتع، از بین بردن سیاه چادرها و سایر اقدامات نظیر اسکان اجباری، وحدت لباس، کشف حجاب و خدمت نظام وظیفه اجباری، نه تنها به محدودیت بلکه به تخریب و از بین بردن آن‌ها همت گماشت. اما ایلات و طوایف تا زمانی که تفوق و برتری نظامی داشتند به مقاومت آشکار و شورش‌های گسترده علیه دولت مرکزی پرداختند و آنگاه که چیرگی نظامی خود را از دست دادند عقب‌نشینی کرده و گردن به سیاست‌های دولت مرکزی نهاده کوچ را رها و اسکان یافتند. عده‌ای به کشاورزی و عده‌ای راهی شهرها شده و در حومه شهر ساکن شدند.

نشینی در بعضی از نواحی که آب‌های دائمی در جریان بود گروهی از انسان‌ها ساکن و معیشت جدیدی را خلق کردند که زراعت و کشاورزی بود کار کشاورزی نقطه آغازین پیشرفت بشر و آغازگر تمدن بشری است.

هدف اصلی کوچ‌نشینی یافتن چراگاه بود این عامل باعث هجوم پی در پی کوچ‌نشینان به روستانشینان و تخریب آبادی‌ها و مزارع آن‌ها می‌شد. ورود آریایی‌ها به ایران ادامه تجاوز کوچ‌نشینی به یکجانشینی و جدال بدویت با حضریت است و غلبه آریایی‌ها بر تمدنی بود که شهرهای تمدنی چون شهر سوخته، سیلک و جیرفت را به نام خود ثبت کرده بود. آریایی‌های کوچ‌نشین نیز یا با توصیه زرتشت و یا بر اساس فطرت کمال‌جویی انسان کم کم به سمت کشاورزی گام برداشتند و حکومت ماد را به وجود آوردند مشکل کم آبی باعث شد تا زندگی شبانی همچنان ادامه یابد سرانجام با روی کار آمدن هخامنشیان کشاورزی وجه عمده تولید قرار گرفت و هخامنشیان با ابداع قنات (کاریز) راه حلی برای کمبود آب یافتند و این باعث رشد کشاورزی و سر منشاء تمدن بزرگ هخامنشی شد.

تمدن هخامنشی به دلیل قدرت فراوان مانع هجوم اقوام کوچ‌نشین مانند ماساژت‌ها شد. این سیاست در دوره‌ی اشکانی و ساسانی نیز ادامه یافت و سکاها، کوشانی‌ها و هپتال‌ها نیز که زندگی‌شان بر پایه زندگی کوچ‌نشینی استوار بود در دوران باستان نتوانستند به خاک ایران تجاوز کنند. جنگ‌های ایران با روم در عهد ساسانی و همچنین عوامل داخلی باعث سقوط ساسانیان و غلبه عرب بر ایران شد. اختلاف طبقاتی، تبعیض نژادی و موالی خواندن ایرانیان توسط اعراب، نهضت شعوبیه را به‌وجود آورد و حرکات استقلال طلبانه‌ای را به دنبال داشت که منجر به شکل‌گیری حکومت‌هایی از خاندان ایرانی شد که در صدد احیای مجدد ایران بودند. سلسله سامانیان در شمال خراسان و آل زیاد و آل بویه از آن جمله بود که عصر زرین فرهنگ و تمدن ایران و اسلام و رنسانس اسلامی از خصوصیات این دوران است.^۹ با حمله اعراب به ایران استحکامات مرزی در شرق یعنی با ترکان آسیای میانه از میان رفت و ترکان که اقتصادشان بر پایه دامداری و کوچ‌نشینی استوار بود برای یافتن چراگاه راهی شرق ایران شدند و بسیاری از آبادی‌ها و مزارع کشاورزی را به ویرانه تبدیل کردند سپس بر حاکمیت ایران مسلط

تفکر ایلی با روی کار آمدن غزنویان آغاز و در دوران سلاجقه تداوم یافت که جدال اهل قلم با اهل شمشیر از خصوصیات این دوران است و در دوران مغولان به اوج رسید

ایل بختیاری

از آنجایی که زندگی ایلی و کوچ نشینی و آداب و رسوم مربوط به آن دارای یک پیشینه تاریخی است، آشنایی با زندگی کوچ نشینی به نوعی آشنایی با گذشته تاریخی زندگی بشر است

ایل بختیاره

جامعه‌ی شهری و روستایی بسیار ناچیز و اندک بود. یکی از این جامعه عشایری ایل بختیاری است که تا کنون درباره‌ی زندگی بختیاری‌ها، پژوهشگران ایرانی و خارجی سازمان‌های دولتی و منطقه‌ای و ملی تحقیقاتی انجام داده‌اند که از مهمترین پژوهشگران خارجی می‌توان به ژان پیر دیگار و دتیرامان اشاره کرد. همچنین پژوهشگران ایرانی نیز تحقیقاتی در این زمینه انجام داده‌اند. سازمان‌های دولتی مانند وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت بهداشت و درمان، سازمان برنامه و بودجه استان چهار محال و بختیاری، دفتر مطالعات هامون در زمینه‌های گوناگونی ایل بختیاری بررسی و تحقیق کرده‌اند که بیشتر جنبه‌های فرهنگی و مردم شناسی از طرف پژوهشگران خارجی و جنبه آماری از طرف سازمان‌های دولتی اهمیت داشته است.

مطالعات گذشته قبل از سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده در تیر ماه ۱۳۶۶ بوده و اطلاعات آن به روز نبوده است. این پژوهش با استفاده از آخرین اطلاعات به دست آمده بر اساس سرشماری سال ۶۶ به عمل آمده است. فرضیه این پژوهش دگرگونی و تحول بسیار ژرف در ساختار جامعه عشایری ایل بختیاری است و هدف نگارنده از این پژوهش، بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی عشایری کوچنده بختیاری است و مقصود از عشایر بختیاری در این پژوهش آن دسته از خانواده‌های عشایر بختیاری است که دارای ویژگی‌های سه گانه زیر بوده‌اند ۱- داشتن وابستگی ایلی و طایفه‌ای به ایل بختیاری ۲- اتکای عمده زندگی به اقتصاد دامی ۳- زندگی کوچ نشینی (کوچ بین بیلاق و قشلاق) که شامل کل شاخه‌ی هفت لنگ به انضمام طایفه‌های موگویی، مم زایی، محمود صالح از شاخه چهار لنگ و آن تعداد از طایفه زلقی است که در محدوده ی، قلمروی هفت لنگ‌ها زندگی می‌کنند.

همچنین از نظر ماهیت و روش این پژوهش علمی پژوهش از نوع توصیفی - موردی بوده که به بررسی وضع موجود ایل بختیاری، ویژگی‌های و خصوصیات ایل و رابطه آن‌ها با سایر متغیرها می‌پردازد. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش بر دو روش استوار است ۱- میدانی: بیشتر از روش مشاهده مستقیم و همچنین مصاحبه با افراد مطلع ایل در مناطق بیلاقی و قشلاقی و همچنین اطلاعات به دست آمده از اجرای سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده کشور

در اواخر شهریور ۱۳۲۰ و ضعف ناگهانی دولت، کوچ نشینی دوباره آغاز و خانه‌ها تخریب و عشایر زندگی ایلی را دیگر بار آغاز کردند. دوران پهلوی دوم با برنامه‌هایی که شاه داشت نظام ایلی را رها کرده که منجر به توسعه نیافتگی منطقه‌ای شد و منجر به شورش‌هایی در سال ۱۳۲۵ شد که شورش عشایر فارس و بحث جدایی آذربایجان از جمله این واکنش‌ها علیه دولت مرکزی بود.

ولی بعد از انقلاب توجه جدی به عشایر شد. در مجموع می‌توان گفت پهلوی اول با خشونت با ایلات برخورد کرد، پهلوی دوم آن‌ها را نادیده گرفت که به توسعه نیافتگی جامعه ایلی انجامید اما حکومت جمهوری اسلامی تا حدودی به آن‌ها توجه کرد.

در این دوره عشایر کشور جامعه‌ای محروم و عقب مانده را تشکیل می‌دادند که میزان برخورداری آنان از امکانات و خدمات در مقابل





در تیر ماه ۱۳۶۶ توسط مرکز آمار و استناد به اطلاعات این سرشماری ۲- شیوه کتابخانه‌ای که بر اساس منابع مکتوب اطلاعات و داده‌هایی را به دست آورده است.

از آنجایی که زندگی ایلی و کوچ نشینی و آداب و رسوم مربوط به آن دارای یک پیشینه تاریخی است، آشنایی با زندگی کوچ نشینی به نوعی آشنایی با گذشته تاریخی زندگی بشر است که توسط گروهی از عشایر حفظ شده به نوعی بررسی زندگی عشایر به خصوص عشایر بختیاری موزه زنده‌ای از گذشته میراث اجتماعی و آداب و رسوم گذشته است. که تا حال ادامه دارد. در بحث تاریخ اجتماعی کاربرد دارد و این پژوهش در راستای حفظ چنین زندگی و توضیح چنین معیشتی است. و اهمیت بسیاری در تحقیقات تاریخی، جغرافیایی و جامعه شناسی دارد. و در ابتدا به محتویات آن می‌پردازیم این کتاب در یازده فصل و در ۳۵۹ صفحه تألیف شده است.

فصل اول با عنوان کلیات در شش قسمت به منطقه بختیاری - جغرافیای تاریخی - تشکیلات سازمانی - سلسله مراتب ایلی - تقسیمات ایلی - جمعیت و ویژگی‌های آن پرداخته است.

نکات مهمی را که مؤلف در فصل اول اشاره کرده موقعیت جغرافیایی منطقه بختیاری است ایل بختیاری در شهرستان‌های داران و فریدون شهر واقع در استان اصفهان، الیگودرز واقع در استان لرستان، شهرستان‌های دزفول، اندیمشک، مسجدسلیمان، ایذه، و شوشتر واقع در استان خوزستان و شهرستان‌های بروجن، لردگان، و فارسان واقع در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می‌کند. قسمت بیلاق داران، فریدون شهر، الیگودرز بروجن، لردگان، و فارسان و قسمت قشلاق شامل دزفول، اندیمشک، مسجدسلیمان، ایذه و شوشتر است وسعت منطقه بختیاری تقریباً ۳۹۹۰۰ کیلومتر مربع است.^۹

مؤلف سپس به توضیح مناطق بیلاقی و قشلاقی از نظر پوشش گیاهی، کوه‌ها، دشت‌ها، منابع آب (رودها) و جمعیت بختیاری پرداخته است.

قسمت دوم فصل یکم به جغرافیای تاریخی منطقه بختیاری اشاره دارد در این قسمت که به صورت مختصر به تاریخ منطقه بختیاری پرداخته چند نکته از نظر تاریخی حائز اهمیت است اولین نکته با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی در اطراف خوزستان و کرمانشاه حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد در این نواحی آثاری از زراعت ابتدایی و اشکالی کهن از زندگی کوچ نشینی به جا مانده است^{۱۰} به دلیل موقعیت آب و هوایی و پوشش گیاهی منطقه بختیاری این منطقه پناهگاهی برای مردمان ساکن در نواحی خوزستان به خصوص در دوره ایلامی‌ها بود این منطقه در دوره ایلام جزء قلمروی اصلی این تمدن محسوب می‌شد و ایالت انشان در دوره هخامنشیان بسیار اهمیت داشت از دوره هخامنشیان تا روزگار ساسانیان منابع از گروهی به نام نوماد (کوچنده) یاد می‌کنند که تابع دولت مرکزی نبوده و در مواقع خطر در کوه‌های زاگرس پنهان می‌شدند.^{۱۱} نخستین بار کلمه‌ی

لر (لور) در تألیفات قرن چهارم هجری مانند مسعودی و اصطخری ارائه شده است.^{۱۲} حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده در تسمیه لر آورده وقوع این اسم بر این قوم به نوعی گویند از آن است که در ولایت ماورود دهی است که آن‌را کرد خوانند و در آن حدود دربندی است که آن را به زبان لری «کول» خوانند و در آن در بند موضعی است که آن را لر خوانند چون در اصل ایشان از آن موضع برخاسته‌اند آنان را لر گفته‌اند.^{۱۳} در اواخر قرن چهارم این حوقل لر‌ها را کرد قلمداد کرد و در شرح این قوم آورده است اکراد فارس بیش از ۵۰۰۰۰۰ هزار خانواده‌اند و هر طایفه کم و بیش هزار سوار دارد این طوایف جز گروه اندکی که در نواحی سردسیر سکونت دارند مابقی در زمستان و تابستان به چراگاه‌ها و قشلاق‌ها و بیلاق‌ها می‌روند اما مردم نواحی گرمسیر ثابت می‌مانند و منتقل نمی‌شوند و فقط در نواحی خودشان رفت و آمد دارند.^{۱۴} ابن خلدون نیز منطقه بختیاری را با نام سرزمین کردها شمرده و مسکن آن‌ها را در دل کوه‌ها می‌داند.^{۱۵} در قرن پنجم هجری برای نخستین بار در منابع از لردگان یاد شده است.^{۱۶} سرزمین لر بزرگ در دوره سلجوقی مورد تاخت و تاز ترکان قرار گرفت و بساط حکومت دیلیمان بر این منطقه برچیده شد سرزمین لر بزرگ در دوران اتابکان لر با پایتختی مالا میر (ایذه) بهترین دوران تاریخی خود را سپری کرد.^{۱۷} ابن بطوطه از این سرزمین دیدن کرده و شرح سفر خود را در سفرنامه خود نوشته است که در این کتاب به آن اشاره شده است.^{۱۸} اولین بار نام بختیاری در تاریخ گزیده سال ۷۳۰ در بعضی نسخه‌ها به

سلسله تقسیمات ایلی ایل بختیاری شامل هفت لنگ و چهار لنگ است، هفت لنگ به چند بزرگ طایفه (باب) سپس طایفه تش، اولاد و مال تقسیم می‌شد چهار لنگ نیز همین‌طور، با این تفاوت که در آن باب وجود نداشت

تفاوت که در آن باب وجود نداشت مابقی همان تقسیمات هفت لنگ است در این کتاب تمامی تقسیمات ایلی ایل بختیاری اعم از هفت لنگ و چهار لنگ در قالب نمودار و جدول ذکر شده است که بر اهمیت این کتاب می‌افزاید. و از موارد دیگر که در فصل اول به آن اشاره شده است زبان است زبان (گویش بختیاری) بختیاری است وضعیت سواد ایل بختیاری و وضع زناشویی در میان ایل بختیاری از مواردی دیگر که در این فصل به آن پرداخته است طلاق در میان ایل امری ناپسند و از خصوصیات ایل بختیاری پیش‌رسی ازدواج است که بیشتر دختران در سن ۱۰ سالگی ازدواج می‌کنند

در فصل دوم به فعالیت و اشتغال ایل بختیاری پرداخته اگر چه شغل اصلی مردم ایل دامداری است ولی در کنار فعالیت دامداری فعالیت کشاورزی و صنایع دستی نیز رونق دارد تقسیم کار بیشتر در ایل بر اساس جنس و سن است از موارد دیگر تقسیم کار بر حسب منشأ نیروی کار، فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی، جمعیت فعال و غیرفعال ایل و وضعیت اشتغال و بیکاری موقعیت شغلی شاغلان ایل بختیاری است که در این بخش به آن پرداخته است تمامی این اطلاعات و منابع به صورت میدانی تا سال ۱۳۶۶ از طریق پرسش‌نامه یا مصاحبه در قالب جدول و نمودار بیان شده است.

فصل سوم با عنوان فعالیت بخش کشاورزی در ایل بختیاری از دو قسمت عمده دامداری و نگاه‌داری طیور - زراعت و باغداری تشکیل می‌شود.

در ایل بختیاری به کوچک‌ترین واحد بهره‌برداری دامی که از چند خانوار تشکیل شده مال گفته می‌شود. مال در زبان لری به معنای اسب، منزل، خانه و ثروت به کار رفته است در واحد مال دام‌ها به صورت اشتراک چرانیده می‌شوند و چادرها در کنار هم و نزدیک به هم قرار دارند هر مال سرپرستی دارد که به آن گپه مال می‌گویند.^{۲۴} در قسمت دامداری علاوه بر ذکر تعداد کل دام‌های طوایف مختلف بختیاری در قالب جدول به ذکر تعداد گوسفندان همچنین سایر حیوانات اهلی مانند اسب، قاطر و الاغ پرداخته سپس به ابزار کار دامداری شامل: مشک (خیگ) که وسیله‌ای سنتی از پوست گوسفند است و انواع گوناگونی دارد. مشک دوغ، مشک آب، خیک پنیر، خیک روغن، مشک دوغ زنی از آن جمله است. که مؤلف به شرح هر کدام چگونگی درست کردن

صورت مختاری سپس در شرفنامه بدلیسی ذکر شده در دوره شاه عباس از قبایل الوار بختیاری یاد شده و اسکندر بیک منشی در تاریخ عالم آرای عباسی^{۱۹} و پس از آن در زمان نادر به کرارت از بختیاری‌ها در منابع تاریخی سخن به میان آورده شده در این زمان از بین ۴۴۰۰۰ خانوار اعزامی به خراسان نام بختیاری‌ها نیز آورده شده است

از دیگر مباحث مهم در فصل اول تشکیلات سازمانی ایل بختیاری است از نظر تشکیلات سازمانی ایل بختیاری به دوشاخه‌ی ایلی به نام‌های هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شود. درباره‌ی وجه تسمیه هفت لنگ و چهار لنگ نقل شده در دوران صفوی تقسیم بندی بر اساس مقررات مالیاتی بود زیرا در این دوران لنگ نصف جفت و از اصطلاحات مالیاتی بود.^{۲۰} از آنجا که نتیجه‌ی مالیات ایلات از حیوانات بود مثل بختیاری از مادیان قشقایی از گوسفند شاهسونند از شتر نتیجه بسته شده در یک عهده‌ی که مالیات بختیاری می‌بستند نتیجه‌ی سه مادیان به بختیاری بسته شد که هفت پا قسمت هفت لنگ و چهار پا قسمت چهار لنگ و یک پا تخفیف داده شد یا کسانی که از خارج به ایل پناه می‌بردند و در میان آن ایل زندگی و معاش می‌کردند.^{۲۱} این دو شاخه قلمروی جداگانه‌ای داشتند و هر شاخه به تعدادی بزرگ طایفه و طایفه تقسیم می‌شد. طایفه اساسی‌ترین رکن تشکیلات سازمان ایلی بود. که اعضای طایفه به واسطه‌ی قرابت‌های خونی به یکدیگر وابسته بودند هر طایفه چراگاه تابستانی و زمستانی و مسیر کوچ مشترکی داشت^{۲۲} قسمت بعدی که در فصل اول به آن پرداخته سلسله مراتب ایلی از نظر قدرت است که در رأس ایل ایلخان یا ایل بیگ که بیشتر اوقات وابسته به دربار بود سپس کلانتر که مسئول اداره امور طایفه جمع‌آوری مالیات تأمین سپاه در مواقع لزوم رفع اختلاف بین اعضای طایفه با یکدیگر یا اعضا و سایر طوایف ایل را بر عهده داشت پس از کلانتر کدخدا که از طرف کلانتر با تأیید ایلخان یا به‌طور مستقیم از طرف ایلخان منسوب می‌شد همچنین کدخدا را به‌عنوان رئیس تش ذکر کرده‌اند بعد از کدخدا ریش سفید که در رأس اولاد بود و بعد از او سرمال یا گپ مال بود که توسط اعضای خانوارهای عضو مال و از بین مسن‌ترین مردان انتخاب می‌شد.^{۲۳} سلسله تقسیمات ایلی ایل بختیاری شامل هفت لنگ چهار لنگ، هفت لنگ به چند بزرگ طایفه (باب) سپس طایفه تش، اولاد و مال تقسیم می‌شد چهار لنگ نیز با این

اگر چه شغل اصلی مردم ایل دامداری است ولی در کنار فعالیت دامداری فعالیت کشاورزی و صنایع دستی نیز رونق دارد تقسیم کار بیشتر در ایل بر اساس جنس و سن است

ایل بختیاری

شنیدنی و جالب است. «...در محل نگهداری دام در غارها و یازاغه‌ها که کف آن‌ها تخته سنگ است، لایه‌ای از فضولات گوسفندان به وجود می‌آید. به علت سختی جنس سنگ، اوره فضولات دامی در درون آن رسوب می‌کند. این لایه را در فصل پاییز برداشت کرده و در آب خیس می‌کنند. مایع به دست آمده را در درون گونی کفی و یا توبره مویی می‌ریزند. با آویختن کیسه و قرار دادن ظرفی در زیر آن، آب آن را جمع‌آوری می‌کنند. سپس مقداری آب جوش نیز به رسوب درون کیسه اضافه می‌کنند تا باقی‌مانده رسوب نیز از آورده می‌شود. آب حاصل را درون دیگی ریخته و بر روی آتش قرار می‌دهند تا بجوشد. مایع را آنقدر حرارت می‌دهند تا آب آن تبخیر شود و قوام بیاید. سپس آن را درون سینی و یا ظرف تختی می‌ریزند تا سرد شود. زمانی که مایع سرد شد، تیغه‌هایی از نمک به وجود آمده حالت رسوب پیدا می‌کند که آب در روی آن قرار می‌گیرد. آب را از آن خارج کرده و ظرف را جلوی آفتاب می‌گذارند تا خشک شود. نمک حاصل را خشک می‌کنند

آن‌ها و طرز استفاده از آنان پرداخته است. از دیگر وسایل تری، میش بند، و همبون یا انبان که برای نگهداری مواد غذایی روزانه چوپان از آن استفاده می‌شود اشاره شده است. همچنین محصولات دامی و طرز درست کردن هر یک، از مباحث این قسمت است از مباحث دیگری که ارزش تاریخی نیز دارد ابزار و وسایل دامداری که از گذشته‌های دور مورد استفاده‌ی دامداران و کوچ‌نشینان قرار می‌گرفته است مانند گرز یا همان چماق که عمدتاً از چوب ارژن است. فلاخن که بختیاری‌ها آن را «که وون» می‌نامیدند برای پرتاب سنگ از آن استفاده می‌کردند. تفنگ که دو گونه بود ۱- پوز پر یا سرپر که قدیمی از نوع تفنگ‌های سرپری است که توسط صنعت‌گران ایرانی ساخته می‌شد این تفنگ توسط خانواده‌های کم درآمد مورد استفاده قرار می‌گرفت ۲- تفنگ اتوماتیک شامل تک لول، دو لول، شکاری، یا جنگی، جنگی از نوع برنوع لوله بلند یا ام یک است از نکات مهم طرز تهیه‌ی یاروت توسط بختیاری‌ها که از گذشته‌ی دور آن را تهیه می‌کردند که شرح آن





دستی که صنایع دستی در ایل را می‌توان صنایع خانگی نیز نامید صنایع دستی ایل در ساعت فراغت زن خانوار انجام می‌گیرد. و شامل بافت قالی، قالیچه، گلیم، زیلو، جاجیم، خورجین، چادر، چوقا، کلاه، دستکش، جوراب، گیوه، پاپوش، انواع حصیر، ریس بافی و سبد بافی است که مؤلف از طریق شیوه‌ی میدانی و سرشماری سال ۶۶ تعداد خانوارهای که در تولید این صنایع نقش داشتند را در قالب آمار و درصد آورده است همچنین مؤلف چگونگی ساخت و تهیه‌ی این صنایع را توضیح داده است.

فصل هفتم: با عنوان پوشاک به بررسی پوشاک در ایل بختیاری پرداخته است. مطلبی را از قول سردار اسعد بختیاری نقل کرده که در عادت و اخلاق جماعت بختیاری اغلب عادت قدیمی ایران است. زن بختیاری همان لباس دوره ساسانی را می‌پوشند که به لباس زن‌های زرتشتیان بی‌شبهت نیست.^{۲۶} درباره پوشاک ایل بختیاری در دو قسمت (الف) پوشاک مردان که شامل کلاه، پیراهن ساده، شلوار گشاد، چوقا، شال، کمر و کفش (گیوه) می‌باشد. نکته مهم درباره ایل بختیاری تمام مردان بختیاری از کوچک و بزرگ از کلاه استفاده می‌کنند و بدون کلاه در اجتماعات حاضر نمی‌شوند. کلاه از نوع کلاه نمدی است. در استفاده کلاه سلسله مراتب رعایت می‌شود. کلاه کودکان نمدی سفید رنگ در صورتی که کلاه مردان سیاه رنگ و مختص به خود آنان است. طوایف هفت لنگ کلاه نمدی سیاه رنگ استفاده می‌کنند که دارای بدنه عمودی بر سقف کلاه است به آن کلاه خسروی گفته می‌شود. در بروجن، شهر کرد چهلگرد تهیه می‌شود. چهارلنگ‌ها از کلاه نمدی شتری رنگ معروف به کلاه دزفولی استفاده می‌کنند. از دیگر

و به اندازه‌ی ۲۰ درصد وزن آن، ذغال بید (این نوع ذغال را ذغال بید فهمه می‌گویند که از چوب بدون گره و نارس بید به دست می‌آورند) می‌افزایند. همچنین ۲۰ درصد وزن نمک حاصل شده، گوگرد زرد (قبلاً آن را کوبیده و با پارچه توری صاف کرده‌اند) به آن اضافه می‌کنند. ماده‌ی حاصل را در چاله سنگی (جال) ریخته و با دسته‌ی هاون چوبی می‌کوبند. پس از گذشت ۲ ساعت، این ماده را درون ظرفی ریخته و به مدت ۲ روز آن را در سایه قرار می‌دهند. پس از گذشت این مدت، دوباره آن را کوبیده و مقداری آب به آن اضافه می‌کنند تا حالت چسبندگی پیدا کند. سپس خمیر را از سوراخ الک عبور می‌دهند تا به صورت دانه‌های ریز درآید. دانه‌ها را درون پارچه‌ای ریخته و آن را جابه‌جا می‌کنند تا به صورت دانه‌های ارزن و یا کوچک‌تر (به اندازه حدود یک میلی‌متر) در بیاید. پس از آن، این ماده را درون سینی ریخته و در آفتاب (دور از باد و گرد و خاک) قرار می‌دهند تا خشک شود. پس از خشک شدن، باروت آماده می‌شود...»^{۲۵}

قسمت بعدی این فصل زراعت و باغداری است که به شرح وضعیت کشاورزی و نحوه کاشت محصول، نوع محصول در مناطق بیلاقی و قشلاقی و همچنین از وسایلی که ایلات در کشاورزی استفاده می‌کنند یاد شده است. وسایل شامل دو گونه سنتی و مکانیزه که مؤلف نام تمامی این وسایل (وسایل سنتی) که ارزش تاریخی دارد را آورده و به توضیح هر یک پرداخته است مانند خیش یا گاه آهن، داس، کم (که برای قربال استفاده می‌شد)، پارو، چنگر (که همان شن کش است با تیغ‌های چوبی) و در قسمت آخر فصل سوم به بحث مرتع در منطقه بختیاری بیلاقی و قشلاقی پرداخته است. فصل چهارم با عنوان صنایع

هزار چمه ۳- ایل راه تنگ فاله ۴- ایل راه دزپات
ایل راه‌های شاخه چهار لنگ ۱- ایل راه میونه ۲- ایل راه آر پناهی
۳- ایل راه زلکی از آن جمله است. قسمت چهارم بخش با عنوان کوچ
به عوامل عمده کوچ بختیاری پرداخته که عبارت اند از عوامل طبیعی
- عوامل اقتصادی عوامل اجتماعی و فرهنگی است. سپس به انواع
کوچ و شیوه‌های کوچ اشاره دارد.

فصل نهم با عنوان بررسی‌های اقتصادی. به بررسی هزینه و درآمد
خانوارهای عشایر بختیاری پرداخته است. در این فصل به تخریب
مراحت و جنگل‌ها نیز اشاره دارد.

فصل دهم با عنوان بررسی‌های اجتماعی. ابتدا به جایگاه و نقش
زنان بختیاری در نظام کوچ نشینی در قالب وضع اشتغال زنان بختیاری
در سال ۱۳۶۵ پرداخته است از نکات مهم زن در ایل بختیاری از
سن ۶ سالگی مشغول کار است و ۸۶ درصد فامیل بدون مزد بوده
یعنی اکثریت شاغلان زن برای خانواده بدون دریافت مزد کار می‌کنند.
بحث بعدی نقش اجتماعی زن ایل بختیاری است از نکات مهمی که
به آن اشاره کرده وظایف بی‌شمار زن در نظام کوچ نشینی همچنین
از نظر اجتماعی زن ایل بختیاری از حقوق یکسانی نسبت به زنان
روستایی و شهری برخوردار نیست. پای‌بندی زن به سلسله مراتب ایلی
و سنت‌های وابسته به آن درک جامعه پدر تباری به زن این اجازه را
نمی‌دهد که در مسایل اجتماعی ابراز وجود کند.^{۳۶} در شهادت و گواهی
نظر زنان کمتر مورد قبول قرار می‌گیرد و در حل اختلافات و نظر
خواهی نمی‌توانند در بحث شرکت کنند. زن بختیاری از بسیاری از
حقوق اجتماعی خویش محروم است سن ازدواج در بین آنان پایین و
در مواردی ۹ تا ۱۰ ساله به خانه شوهر می‌روند. ازدواج غالباً در دفاتر
اسناد رسمی ثبت نمی‌شود. در بعضی موارد عاقد هم حضور ندارد مهریه
ناچیز است و در بعضی موارد بدون مهریه ازدواج می‌کنند. به علت
ویژگی‌های جامعه ایلی هنگام ازدواج پرداخت شیربها از طرف خانواده
داماد به خانواده عروس الزامی است. رسم «ناف بران» رسمی است که
علیرغم هیچ میل و رغبتی برای ازدواج دختری باید با پسری ازدواج
کند. در جامعه ایلی تعدد زوجات نیز مرسوم است که نویسنده در کتاب
به عوامل و شرح هر کدام پرداخته که عامل اقتصادی، عامل اجتماعی و

پوشش‌های مردان بختیاری چوقا (چوخا) است که مصادف با اوایل
سلطنت رضا شاه بود. اصل چوقا از منطقه‌ای به نام لیوس از لرستان
است که به آن چوقا لیوسی می‌گویند. که از پشم گوسفند تهیه و توسط
زنان بختیاری بافته می‌شود.^{۳۷} از دیگر پوشاک بختیاری شلوار مردان
بختیاری است که به آن تمبون یا تنبان گفته می‌شود شلوار گشاد و
سیاه قسمت کمر تنگ و پارچه‌های آن آزاد و مواج است. نمونه آن
مجسمه برنزی دوره اشکانی در منطقه بختیاری یافت شده و امروز
در موزه ایران باستان است. جنس شلوار از پارچه دبیت سیاه رنگ
است. درباره کفش مردان ایل بختیاری عمدتاً گیوه بوده و مرغوب
ترین آن گیوه ملکی است.^{۳۸} پوشاک زنان شامل روسری - پیراهن
- تنبان (شلیقه) و کفش است. که در کتاب به شرح و توضیح هریک
پرداخته شده است.

بخش هشتم: با عنوان حمل و نقل و ارتباطات به حمل و نقل
جاده‌ای شامل حمل و نقل توسط انسان، توسط حیوان و وسایل نقلیه
موتوری اشاره دارد. حمل و نقل آبی نیز بحث دیگری است که به آن
اشاره شده زیرا وجود رودخانه‌های پرآب بازفت - کوه‌رنگ و کارون و
سایر رودخانه‌های محلی در مسیر ایل راه‌های بختیاری منطقه بیلاقی
و قشلاقی - حمل و نقل آبی دارای اهمیت است. علاوه بر احداث
پل از وسیله‌ای به نام جره یا قرقره استفاده می‌شود که با استفاده
از سیم بکسل اتاقکی فلزی (جره) که با استفاده از قرقره بر روی
سیم بکسل حرکت می‌کند. حرکت بوسیله اهرم یا دست ارتباط بین
دو سوی رودخانه طی می‌شود. در بعضی نواحی نیز از قایق استفاده
می‌کنند. قسمت دوم بخش هشتم بحث ارتباطات است ارتباط به دو
صورت انجام می‌گیرد در هنگام خطر برای رساندن پیام به وسیله بانگ
زدن که به آن «بنگ = بانگ» کردن می‌گویند ابتدا به صورت مقطع
چند بار بلند «هی، هی، هی...» می‌گویند سپس نام طرف مخاطب را
می‌خوانند و طرف مقابل بعد از شنیدن با همان علائم جواب می‌دهد.
در مسافت‌های دور از پیک استفاده می‌شود. قسمت سوم بخش هشتم
ایل راه‌های بختیاری است که به صورت مجزا به ایل راه‌های شاخه
هفت لنگ و چهارلنگ اشاره شده است. ایل راه‌های شاخه هفت لنگ
چهار ایل راه را به خود اختصاص داده‌اند ۱- ایل راه تا راز ۲- ایل راه

صنایع دستی در ایل را می‌توان صنایع خانگی نیز نامید
و شامل بافت قالی، قالیچه، گلیم، زیلو، جاجیم، خورجین،
چادر، چوقا، کلاه، دستکش، جوراب، گیوه، پاپوش، انواع
حصیر، ریس بافی و سبد بافی است

ایل بختیاری

فرهنگی از آن جمله است. از نکات مهم که به آن اشاره شده در عامل اقتصادی بعضی از خانواده‌ها برای تأمین نیروی کار، همسر برای شوهر خود همسر با زوجه‌ای انتخاب می‌کند^{۳۰} عامل اجتماعی با توجه به تفکر مرد سالاری و گرایش به جنس ذکور در جامعه ایلی اگر زنی برای شوهرش پسری نیابد مرد همسر دیگری را بر می‌گزیند تا شاید برای او پسری بیاورد. عامل فرهنگی هر گاه بین دو طایفه از ایل بختیاری جنگ و جدالی در بگیرد که منجر به کشته شدن مردی شود یکی از عوامل آتش بس و آشتی بین دو طایفه، دادن یک دختر از طرف قاتل به طرف مقتول است به این مورد خین بس می‌گویند. شرایط اجتماعی و فرهنگی ایل آنرا مقرر می‌سازد که چه دختری از چه خانواده‌ای، اگر خانواده مقتول صاحب پسر بزرگ نباشد دختر را به پدر مقتول داده و این خود از عوامل تعدد زوجات است. از دیگر مباحث این فصل وظایف زن بختیاری در محل استقرار در بیلاق و قشلاق است. که از جمله تولید دامی (شیر دام توسط زنان دوشیده می‌شود) - تهیه لوازم زندگی (صنایع دستی) - تأمین آب مصرفی - حمل مواد سوختی - کارهای روزانه زندگی (دوخت و دوز - نگهداری فرزند.....) علاوه بر موارد فوق که اختصاص به زنان دارد در بسیاری از امور و کارهای دیگر به خانواده کمک می‌کند که مؤلف به شرح آنها پرداخته است. از مباحث دیگری که در این فصل به آن اشاره شده با عنوان نقش سنگ در زندگی کوچ نشینان بختیاری به عمده‌ترین موارد آن از قبیل بر پا داشتن چادر - تهیه فراورده‌های شیر - ساختمان - دیوار و پرچین - اجاق - اهرم - اسلحه (دفاع) - زنبورداری - وسایل آسیا کردن و کوبیدن مواد - بام غلتان - ظروف (بخصوص برای دامها برای آبشخور دام مورد استفاده قرار می‌گیرد که به آن سنگ او گفته می‌شود) - پناهگاه - علامت دیوار - بنای یادبود - سنگ مزار مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته جالب و ارزشمند که از نظر تاریخی نیز دارای اهمیت است موضوع سنگ مزار در ایل بختیاری است که از شکوفایی فرهنگ این ایل حکایت می‌کند و مؤلف به آن پرداخته است. سنگ مزار به دو قسمت عمده نقش‌دار و ساده تقسیم می‌شود. سنگ‌های مزار نقش دار به سه دسته تقسیم می‌شوند. شیر سنگی (بردشیر) عبارت است از مجسمه‌ای از شیر که آن را از سنگ تراشیده بر روی مزار قرار می‌دهند این نوع سنگ مزار برای مزار مردان دلاور ایل، به کار برده می‌شود، در طرفین بدن شیر نقش‌هایی از اسلحه سرد و گرم از قبیل تفنگ، خنجر، شمشیر و کارد شکاری، تسبیح، شانه، آینه، انگشتر و مهر پدید می‌آورند. بر گرده‌های مجسمه شیر نیز نام و نشان فرد صاحب مزار نقش می‌بندد. استفاده از شکل شیر بیشتر در رابطه با شیر بختیاری است که نسل آن در قلمروی ایل به خاطر شکار منقرض شده است در گذشته استفاده از مزار شیر سنگی بیشتر بر روی مزار شکارچیان متداول بود.^{۳۱} سنگ مزار افقی این نوع سنگ مزار با برآمدگی مکعبی شکل با ابعاد تقریبی ۲۰×۲۰×۲۰ سانتی متر در قسمت سر مزار ساخته می‌شود بلندی سنگ مزار حدود ۴۰×۸۰ سانتی متر عرض با قطر ۱۰ سانتیمتر

بر روی سنگ مزار مشخصات صاحب مزار را حک می‌کنند. به نظر مؤلف کتاب این سنگ مزار قدمتش بیشتر از سنگ مزار شیر سنگی است برآمدگی قسمت سرگور بیشتر یاد آور آتشدان است و استفاده از آن در دوره پیش از اسلاح بوده در حالی که شیر سنگی در دوره بعد از اسلام مرسوم شده است. البته از آنجایی که در گذشته مردگان را دفع نمی‌کردند در کوه‌های گذشته این دیدگاه درست نیست زیرا با مشاهده قبرستان‌های چهارمراحل بختیاری شیر سنگی قدمت بیشتری دارد. سنگ مزار عمودی به شکل پنج ضلعی که یک زاویه آن در بالا قرار می‌گیرد پایه این پنج ضلعی موازی با سطح زمین و دو ضلع دیگر عمود بر گور قرار می‌گیرد این سنگ بر بالای مزار می‌گذارند بر روی آن نقش‌های انسان و وسایل شخصی وی حک می‌شود بر روی سنگ مزار مردان، نقش اسب سوار و اسلحه سرد و گرم و بر روی سنگ مزار زنان، نقش زنی حک شده که در یک دست وی شانه قالی بافی و در دست دیگر قیچی قرار دارد.^{۳۲} سنگ مزار ساده داراری نقش و نگار نبوده و با استفاده از سنگ و چیدن آن بر روی مزار ساخته می‌شود. از مباحث دیگری که در این بخش مؤلف به آن پرداخته نقش بلوط در زندگی بختیاری‌هاست. عمر متوسط این درخت که حدود ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ سال است. از این درخت استفاده‌های دارویی، صنعتی، تهیه ابزار کشاورزی و دامداری، ساختمان سازی، تغذیه دام و از میوه آن برای تهیه نان از تنه آن در تهیه سوخت (آتش) استفاده می‌شود. از آنجایی که بلوط بسیاری از نیازهای مادی و معنوی عشایر منطقه را برآورده می‌سازد هنگامی که در منطقه‌ی جنگل بلوط، کودکی به دنیا آید به سبب تقدس این نعمت خدادادی نام پسر را بلوطی می‌گذارند. قسمت بعدی این فصل بعضی از لوازم و ابزار زندگی در ایل بختیاری است که بسیاری به دلیل قدمت ارزش تاریخی اند که نمونه آن جعبه هزار پیشه - کلاک (براهر دارای چیدن میوه درختان) ملار (سه پایه) که این سه پا به توسط قلاب حلقه به هم وصل می‌شود و از آن برای آویختن مشک یا مشک زدن و مواردی متعدد استفاده می‌شود. گهواره که از چوب برای نگهداری نوزادان که در گویش بختیاری به آن تده می‌گویند.

فصل یازدهم با عنوان کوچ نشینان دهستان میان کوه دزفول به وضعیت (اشتغال - منابع آب منابع تأمین سوخت و جنگل‌ها و مراتع و مبادلات بهداشت و درمان و تغذیه و ازدواج و عروسی و مراسم عزاداری در عشایر دره کاند پرداخته است و در پایان با عنوان پایان سخن با توجه به ۱۱ فصل کتاب به برنامه ریزی برای زندگی عشایر و آینده عشایر بختیاری و برنامه ریزی آن پرداخته است برنامه ریزی در جهت اسکان و نهایت به نتیجه گیری پرداخته است.

محاسن این پژوهش: جمع آوری اطلاعات بیشتر به روش میدانی از طریق مشاهده مستقیم، مصاحبه، پرسشنامه، تصاویر، عکس و ارائه اطلاعات درچارچوب جدول، نمودار و نقشه که بر اهمیت علمی این پژوهش می‌افزاید. علاوه بر شیوه میدانی استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی که اطلاعات مربوط به ایل از طریق این شیوه کامل شده

است زیرا مؤلف بسیاری از اطلاعات آماری را از سازمان‌های مربوطه مانند اداره آمار و برنامه و بودجه استان یا وزارت بهداشت یا امور عشایر به دست آورده است که اسناد اداری محسوب می‌شوند و اعتبار زیادی در تاریخ دارند. با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های ذکر شده این اثر می‌تواند برای کسانی که درباره ایل بختیاری بخصوص در زمینه مردم شناسی و آشنایی با آداب و رسوم بختیاری اطلاعات موثقی بدست آورند به عنوان بهترین و موثق ترین منبع مکتوب به شمار آید.

معایب: به نظر این جانب این پژوهش خالی از نقص نیست توصیف ایل بختیاری از نظر ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و جامعه شناسی بسیار گسترده است و نمی‌توان به صورت کامل در یک کتاب ۳۵۹ صفحه‌ای به آن پرداخت لذا به ناچار به بسیاری از موضوعات بخصوص در زمینه تاریخی به صورت خلاصه اشاره شده است.

درباره فصل‌بندی کتاب نیز به نظر می‌رسد عنوان فصل با قسمت‌های فصل از نظر محتوا هماهنگ نیست. به عنوان مثال فصل سوم با عنوان کشاورزی ابتدا به مال که کوچکترین واحد بهره برداری دامی در ایل بختیاری که از چند خانوار تشکیل می‌شود پرداخته سپس فصل را به سه قسمت، قسمت اول با عنوان دامداری، قسمت دوم زراعت و باغداری و قسمت سوم با عنوان مرتع پرداخته است. شاید این اصطلاح در این جا کاربرد پیدا کند که معرف نباید اعم از معرف باشد یا اخص از آن که در این جا مشهود است. به بعضی دیگر از فصول کتاب نیز چنین ایرادی وارد است. از دیگر نواقص آن بعضی از مطالب در فصل‌های مختلف تکرار شده است که برای خواننده مطالب تکراری ملالت‌آور است.

منابع:

آل احمد، جلال: **غربزدگی**، تهران، انتشارات رواق، چاپ دوم، ۱۳۵۶
 امیر احمدیان، بهرام: **پژوهشی درباره‌ی ایل بختیاری**، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۷
 طبیبی، حشمت‌الله: **مبانی ایلات و عشایر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱
 رضا، عنایت‌الله: **تاریخ ایران**، تهران انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵
 غفاری، هیبت‌الله، **ساختارهای اجتماعی عشایر بویبر احمد**، تهران نشر نی، ۱۳۶۸
 کرم، جوئل ل. **احیای فرهنگی در عهد آل بویه انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی**، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵
 قاضی مرادی، حسن؛ **استبداد در ایران**، تهران، نشر اختران، چاپ سوم ۱۳۸۷

پی‌نوشت:

۱ هیبت‌الله غفاری، ساختارهای اجتماعی عشایر بویبر احمد، تهران نشر نی، ۱۳۶۸

صفحه ۱۸
 ۲ حشمت‌الله طبیبی، **مبانی ایلات و عشایر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صفحه ۱۳۳
 ۳ عنایت‌الله رضا، **تاریخ ایران**، تهران انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵، صفحه ۶۴
 ۴ حسن قاضی مرادی، **استبداد در ایران**، تهران، نشر اختران، چاپ سوم ۱۳۸۷، ص ۳۴۸ و همچنین ر. ک: جوئل ل. **کرم‌احیای فرهنگی در عهد آل بویه انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی**، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵
 ۵ جلال آل احمد، **غربزدگی**، تهران، انتشارات رواق، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۴۲
 ۶ یاکوب ادوارد، **پولاک: سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)**، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۳۲۹
 ۷ همان، ص ۲۳۰
 ۸ حسن قاضی مرادی، **پیشین**، ص ۳۴۸
 ۹ بهرام، امیر احمدیان **پژوهشی درباره‌ی ایل بختیاری تهران انتشارات آگاه**، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۹
 ۱۰ همان، ص ۲۷
 ۱۱ همان، ص ۲۹
 ۱۲ (التنبیه الاشراف ص ۸۹، مسالک و الممالک، ص ۸۲، به نقل از امیر احمدی، پیشین، ص ۳۰
 ۱۳ امیر احمدی، **پیشین**، ص ۳۰
 ۱۴ ابن حوقل، **صورت الارض** ص ۴۰ به نقل از امیر احمدیان، پیشین، ص ۳۱
 ۱۵ مقدمه ابن خلدون ص ۱۱۶ به نقل از امیر احمدی، پیشین، ص ۳۱
 ۱۶ ناصر خسرو، **سفرنامه** ص ۱۳۶-۱۳۷ به نقل از امیر احمدی، پیشین، ص ۳۱
 ۱۷ **شرفنامه بدلیسی** ص ۴۳ به نقل از امیر احمدی، پیشین، ص ۳۲
 ۱۸ امیر احمدی، **پیشین**، ص ۳۲
 ۱۹ اسکندر بیگ منشی، **تاریخ عالم آرای عباسی**، ص ۵۰۳ به نقل از امیر احمدی، پیشین ص ۳۲
 ۲۰ امیر احمدی، **پیشین**، ص ۳۸
 ۲۱ علیقلی خان، **اسعد بختیاری: تاریخ بختیاری**، تهران، انتشارات یاسولی ۱۳۶۰، به نقل از امیر احمدی ص ۳۹
 ۲۲ امیر احمدی، **پیشین**، ص ۳۸
 ۲۳ همان، ص ۴۱
 ۲۴ همان، ص ۸۷
 ۲۵ همان، ص ۱۲۱-۱۲۲
 ۲۶ علیقلی خان، **اسعد بختیاری**، پیشین، ص ۱۹۸
 ۲۷ امیر احمدی، **پیشین**، ص ۱۹۶-۱۹۷
 ۲۸ همان، ص ۱۹۸
 ۲۹ همان، ص ۲۷۵
 ۳۰ همان، ص ۲۷۸
 ۳۱ همان، ص ۲۹۷
 ۳۲ همان، ص ۲۹۸